خراسان روزنامه صبح ایران
شنبه ۸ دی ۱۳۹۷ . ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۴۰ . شماره ۱۹۹۹۸

کامران میرزا
(۱۳۰۷-۱۲۳۵ هـ.ش)

سومین فرزند ناصرالدین شاه بود که به دلیل غیرقاجاری بودن مادرش، ولیعهد نشد. کامران میرزا لقب نایب السلطنه داشت. او در دوران مظفرالدین شاه نیز، مناصب مختلف حکومتی را بر عهده گرفت و در عهد محمدعلی شاه، به همکاری با او برای ضربه زدن به اساس مشروطیت پرداخت. کامران میرزا از طرف محمدعلی شاه مأمور شد که پزشک مظفرالدین شاه را وادار به تأیید وخامت حال وی و نامعتبر بودن امضای او در پای قانون اساسی مشروطه کند؛ اما موفق نشد.

بازیگران تاریخ

حسین علاء
سیاستمدار حامی دربار

علاء و همسرش در لندن

با مطالعه تاریخ سیاسی ایران در دوره قاجار و پهلوی، می‌توان به این موضوع واقف شد که همواره سیاست و اداره امور کشور در دست حلقه معدودی از افراد یا به عبارت بهتر، در دست خانواده‌های حکومتی بود. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، خانواده حسین علاء، جزو همین خانواده‌های حکومتی و پدر وی، علاءالسلطنه، کارمند وزارت خارجه بود. حسین علاء در سال ۱۲۶۳، در تفلیس گرجستان متولد شد. او به علت شغل پدر، جوانی خود را در انگلستان گذراند و مدرک حقوق خود را از دانشکده حقوق لندن گرفت. حسین علاء طی دوران فعالیت سیاسی خود، نخست‌وزیر، رئیس بانک ملی، وزیر فوائد عامه، وزیر خارجه، سفیر کبیر ایران در آمریکا، وزیر مختار ایران در فرانسه، انگلیس و آمریکا، نماینده مجلس شورای ملی و سناتور شد و همچنین، چهار دوره وزارت دربار را بر عهده داشت. با اعدام انقلابی رزم‌آرا توسط خلیل طهماسبی در سال ۱۳۲۹، علاء نخستین کسی بود که شاه به عنوان جانشین رزم آرا در نظر گرفت. در ۱۸ فروردین ۱۳۳۰، علاء برنامه دولت را به مجلس تقدیم کرد و سرانجام، بعد از بحث‌ها و جدل‌های فراوان، در ۲۷ فروردین، از مجلس رای اعتماد گرفت؛ اما پس از این که کمیسیون نفت مجلس، طرح ۹ ماده‌ای اجرای ملی شدن صنعت نفت را پذیرفت، علاء ترجیح داد که از نخست‌وزیری استعفا کند و مجدد وزیر دربار شود. روابط او با دکتر مصدق که پیش از آن صمیمانه بود، به علت حمایت علاء از شاه و مقاومت در برابر ملی شدن صنعت نفت، به سردی گرایید و او متهم به دسیسه چینی علیه مصدق نیز شد. دوره بعد از کودتا ۲۸ مرداد را می‌توان سرآغاز قدرت گرفتن و استبداد شاه نامید که به نابودی تمام گروه‌های سیاسی و احزاب منجر شد. شاه بعد از برکناری زاهدی در سال ۱۳۳۴، از علاء خواست که تشکیل کابینه دهد. او هم با شناختی که از شاه داشت و با تجربیاتی که طی سال‌های حضور در دولت کسب کرده بود، نبض اوضاع را به دست گرفت و با شاه که روز به روز خودپسندتر و شکاک‌تر می‌شد، کنار آمد. به این ترتیب، حسین علاء از جمله کسانی بود که مسیر را برای استبداد و دیکتاتوری شاه، هموار کرد. او در سال ۱۳۳۴، به دلیل همکاری و تلاش در زمینه انعقاد پیمان بغداد، مورد اعتراض شدید جامعه قرار گرفت و حتی برای اعدام انقلابی او، اقدام شد که از آن جان به در برد. با استعفای علاء از نخست‌وزیری، منوچهر اقبال که مورد قبول آمریکا بود، به منصب نخست‌وزیری رسید. استعفای علاء، دو علت داشت؛ اول مخالفت آمریکایی‌ها با وی و دوم، حل نشدن مشکلات جامعه و تداوم آن‌ها. رابطه شاه و علاء، چندان فرقی با گذشته نداشت و همچنان شاه با او مشورت می‌کرد. حسین علاء در سال ۱۳۴۲ از وزارت دربار عزل شد و یک سال بعد، در سال ۴۳، به علت کهولت سن، در تهران درگذشت.

به مناسبت سالروز امضای «نظامنامه» اساسی مشروطه توسط مظفرالدین شاه

معمای امضای نامعتبر پای قانون اساسی مشروطه!

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

آورده‌اند که نخستین بار، ناصرالدین شاه قاجار، تصمیم به تنظیم قانون اساسی برای کشوری گرفت که همه کاره‌اش خود او بود و وقتی به این راز مهم پی بُرد، بی‌خیال قانون اساسی شد و ترجیح داد همان هیئت دولت نیم‌بند را برای اداره امور، زیر نظر خودش، باقی بگذارد! سال‌ها بعد و هنگامی که بالاخره بر اثر مجاهدت‌های آزادی خواهان، رؤیای نابود کردن استبداد و استقرار مشروطیت عینیت یافت و فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵، توسط مظفرالدین شاه همیشه بیمار، به امضا رسید؛ موضوع تدوین قانون اساسی، بیش از گذشته جدی شد. اما قبل از آن که مجلسی تشکیل شود، تهیه قانون اساسی امکان نداشت؛ به همین دلیل، نظامنامه‌ای برای برگزاری انتخابات، توسط مشروطه‌خواهان تهرانی تهیه و در سراسر کشور اجرا شد؛ آن هم چه نظامنامه‌ای؟! تمام کشور را به ۱۵۶ حوزه انتخاباتی تقسیم کرده بودند و فقط مردم تهران، ۶۰ نماینده در مجلس شورای ملی داشتند! انتخابات به صورت صنفی برگزار می‌شد؛ ۱۰۳ صنف شناخته شده تهران را به ۳۲ بخش متناسب تقسیم کردند تا هر کدام نماینده‌ای برای خود انتخاب کنند. صاحبان مشاغل کم درآمد مانند باربری و شترداری، اصلاً نماینده‌ای در مجلس نداشتند و نمی‌توانستند به کسی رأی بدهند! در روستاها فقط کسانی می‌توانستند در انتخابات شرکت و نماینده انتخاب کنند که ارزش املاکشان از هزار تومان بیشتر بود. به این ترتیب، بخش عمده مردم ایران که ساکن روستاها بودند، حقی در تعیین سرنوشت خود نداشتند.

تصویری کمتر دیده شده از مظفرالدین شاه در کنار ولیعهدش محمدعلی میرزا

■ **مردان قانون نویس!**

مجلس کمیته‌ای برای تدوین قانون اساسی تشکیل داد؛ کمیته‌ای مرکب از جواد سعدالدوله، سید حسن تقی‌زاده، محمود مشاور الملک، محمدحسین امین الضرب، سید نصرا... تقوی و صادق مستشارالدوله. سعدالدوله ابتدا از مخالفان مشروطه بود، اما دعوایش با عین الدوله بر سر اختیارات و اقدامات مسیونوز بلژیکی در گمرکات، باعث شد که احساس کند از مشروطه خوشش می‌آید. او تاجری متمول از اهالی تبریز بود که به نمایندگی از سوی اشراف این شهر، وارد مجلس شورای ملی شد؛ اما بعد از مدتی بر سر پست ریاست مجلس با صنیع الدوله درگیر شد و چون در برابر او کم آورد، ترجیح داد که با مشروطه مخالفت کند! سعدالدوله، بعد از پایان استبداد صغیر، برای مدت کوتاهی، نخست‌وزیر ایران شد. سیدحسن تقی‌زاده از چهره‌های بسیار تندرو مجلس اول بود؛ او یکی از چهره‌های مرموز تاریخ معاصر ایران است و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد در ترور آیت... سیدعبدا... بهبهانی دست داشته است. تقی‌زاده، مردی که روز به توپ بستن مجلس، کالسکه سفارت انگلیس به دنبالش آمد و فراری‌اش داد، بعدها مشاور رضاخان سردار سپه شد و در جلسه رأی‌گیری انقراض قاجاریه و آغاز سلطنت پهلوی هم، با رضاخان مخالفت کرد! اما بعد، بدون دردسر، مدتی استاندار خراسان شد و سپس، به عنوان سفیر به اروپا رفت تا چندی بعد، نماینده رضاشاه برای انعقاد قرارداد نفتی ۱۹۳۳ با انگلیسی‌ها باشد. تقی‌زاده در دوره پهلوی دوم هم، مدت‌ها ریاست مجلس سنا را برعهده داشت. محمودخان مشاور الملک، آدمی تحصیل کرده بود؛ دانش آموخته دارالفنون و از اروپا برگشته؛ در پاریس هفت سالی نجوم خوانده و در این دانش، صاحب نظر بود؛ اما معلوم نیست که چرا پس از بازگشت به ایران، او را به ریاست دیوان تمیز (دیوان عالی کشور) گمارند. مشاور الملک، مانند تقی‌زاده، سخت دلداده تمدن غربی بود. اما محمد حسن امین الضرب، از آن ثروتمندان بنام دوران محسوب می‌شد، مردی که پولش از پارو بالا می‌رفت، خرج تحصن در سفارت انگلیس را داده و اهل تجدد، به ویژه در عرصه صنعت بود؛ حاجی اولین کسی بود که کارخانه برق را به ایران آورد. سید نصرا... تقوی لواسانی، به واقع تنها کسی بود که در میان این جمع، حقوق می‌دانست.

او تحصیل کرده مدارس قدیمی و همچنین، دانشگاه‌های اروپایی بود و بعدها در نگارش قانون مدنی و آیین دادرسی مدنی ایران، نقش مهمی ایفا کرد. نفر آخر، یعنی مستشارالدوله، دانش آموخته مدرسه سلطانی اسلامبول بود؛ از آن آدم‌هایی که می‌خواستند برای مشروطه جان بدهند، اما وقتی مجلس شورای ملی را به توپ بستند و چند وقتی در باغشاه زندانی شد، تصمیم گرفت واقع‌گرایانه فکر کند؛ او در دوره استبداد صغیر، منشی محمدعلی شاه شد! حال این جمع شش نفره، با سوابقی که به آن اشاره کردیم، قرار بود قانون

> نظامنامه‌ای برای برگزاری انتخابات، توسط مشروطه‌خواهان تهرانی تهیه و در سراسر کشور اجرا شد؛ تمام کشور را به ۱۵۶ حوزه انتخاباتی تقسیم کرده بودند و فقط مردم تهران، ۶۰ نماینده در مجلس شورای ملی داشتند! ۱۰۳ صنف شناخته شده تهران را به ۳۲ بخش متناسب تقسیم کردند تا هر کدام نماینده‌ای برای خود انتخاب کنند. صاحبان مشاغل کم درآمد مانند باربری و شترداری، اصلاً نماینده‌ای در مجلس نداشتند و نمی‌توانستند به کسی رأی بدهند! در روستاها فقط کسانی می‌توانستند در انتخابات شرکت و نماینده انتخاب کنند که ارزش املاکشان از هزار تومان بیشتر بود. به این ترتیب، بخش عمده مردم ایران که ساکن روستاها بودند، حقی در تعیین سرنوشت خود نداشتند

اساسی یک مملکت را بنویسند. آن‌ها پس از مدتی وقت‌گذرانی، در نهایت دست به دامان قوانین اروپایی شدند و به این ترتیب، یکی از نامتوازن‌ترین قوانین تاریخ ایران را، با کپی برداری از نمونه‌های اروپایی، به رشته تحریر درآوردند. مظفرالدین شاه که روزهای پایانی عمر خود را می‌گذراند، سرانجام این قانون را در ۸ دی ماه سال ۱۲۸۵ امضا کرد. او که ظاهراً زیاد از متن قانون خوشش نیامده بود، برای امضای آن تعلل می‌کرد و حتی بهانه می‌آورد که فعلاً برای او امضای قانون مطرح نیست. اما سرانجام زیر فشار افکار عمومی، به این کار تن در داد و ۱۰ روز پس از امضای قانون، در ۱۸ دی ۱۲۸۵، درگذشت.

■ **نوشتن متمم**

نخستین قانون اساسی مشروطه، ۵۱ اصل داشت؛ قانونی که در آن فقط صحبت از مجلس و انتخابات شده بود و نمی‌شد اثری از مبانی حقوقی مربوط به ساختارهای دولت و قوه قضاییه در آن پیدا کرد. در قانون اساسی مشروطه، حرفی از زبان رسمی، رنگ پرچم، حقوق ملت، نحوه تعیین دولت و انتخاب وزرا و نیز، مسائلی مانند سوال و استیضاح از وزیران به میان نیامده بود. قانون اساسی مشروطه آن‌قدر داغان بود که بعد از مدتی، نمایندگان به فکر افتادند برایش متممی بنویسند و روی این رسوایی، ماله بکشند! به همین دلیل، متمم قانون اساسی در ۱۰۷ اصل به رشته تحریر درآمد و به تصویب نمایندگان ملت رسید. محمدعلی شاه که حاضر به پذیرش این قانون نبود و حتی، قانون اساسی را هم به اکراه امضا کرد، مدتی به مقاومت در برابر مشروطه‌خواهان پرداخت، اما سرانجام تسلیم شد وزیر امضای خود نوشت: «متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد، تماماً صحیح است و شخص همایون ما ان شاءا... حافظ و ناظر کلیه آن خواهیم بود اعقاب و اولاد ما هم ان شاءا... مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود. ۲۹ شعبان قوی‌ئیل ۱۳۲۵ در قصر سلطنتی تهران.»

اما واقعیت چیز دیگری بود؛ محمدعلی شاه، از همان ابتدای کار، با مشروطیت موافق نبود. او حتی پس از امضای قانون اساسی مشروطه توسط

> محمدعلی شاه، برای زیر سوال بردن امضای پدرش، دست به دامان اطبا شد. طبق گزارش فریدون آدمیت، محمدعلی شاه به اعلم الدوله، پزشک مظفرالدین شاه نوشت: «دستخط مشروطیت با آن که شاه مرحوم در حال طبیعی نبوده‌اند، به حکم وجدان از طرف شما باید ممانعت به عمل می‌آمد... انتظار داریم به صراحت بنویسید که امضای شاه پدرمان، در روزهای آخر حیات مخدوش [است] و در حال عادی نبوده‌اند تا حقیقت مکشوف شود و این خدمت بزرگ شما منظور خواهد بود»

پدرش، مظفرالدین شاه، به دنبال بهانه‌ای برای بی‌اعتبار کردن امضای شاه در گذشته می‌گشت. فریدون آدمیت در کتاب «مجلس اول و بحران آزادی»، مدعی است که محمدعلی شاه، برای زیر سوال بردن امضای پدرش، دست به دامان اطبا شد. طبق گزارش آدمیت، محمدعلی شاه به اعلم الدوله، پزشک مظفرالدین شاه نوشت: «دستخط مشروطیت با آن که شاه مرحوم در حال طبیعی نبوده‌اند، به حکم وجدان از طرف شما باید ممانعت به عمل می‌آمد... انتظار داریم به صراحت بنویسید که امضای شاه پدرمان، در روزهای آخر حیات مخدوش [است] و در حال عادی نبوده‌اند تا حقیقت مکشوف شود و این خدمت بزرگ شما منظور خواهد بود.» محمدعلی شاه به این دستور هم اکتفا نکرد و کامران میرزا و مختار الدوله را هم برای اجبار پزشک به صدور گواهی، نزد وی فرستاد؛ اما با مقاومت اعلم الدوله، شاه راه به جایی نبرد. محمدعلی شاه پس از امضای متمم قانون اساسی مشروطه، باز هم برای پذیرش تعهدات خود و مسئله پاسخگو بودن وزرا به مجلس، تعلل می‌کرد. نمایندگان که می‌دیدند با کارشکنی‌های شاه، قانون اساسی عملاً اجرا نمی‌شود و فقط روی کاغذ موجودیت دارد، از شاه خواستند که در مجلس حاضر شود و به پرسش‌های نمایندگان ملت جواب دهد. اما شاه ابداً زیر بار نرفت و هنگامی که نمایندگان، مستقیماً برای توضیح خواستن از وزرا، پای به میدان گذاشتند، سخت عصبانی شد و به مخالفت با اقدامات آن‌ها پرداخت. به هر حال، تقابل میان نمایندگان مجلس و محمدعلی شاه، پس از امضای قانون اساسی مشروطیت، به تدریج افزایش پیدا کرد و با ترور ناموفق شاه در مسیر دوشان‌تپه، به دست عوامل تندرو مشروطه‌خواه، به نقطه بدون بازگشت رسید؛ محمدعلی شاه در تیرماه سال ۱۲۸۷، با به توپ بستن مجلس شورای ملی، فرجام نخستین دوره تقنینی ایران را رقم زد!

منابع:

خاطرات و خطرات؛ مخبرالسلطنه هدایت؛ نشر زوار؛ ۱۳۶۳
مجلس اول و بحران آزادی؛ فریدون آدمیت؛ نشر روشنگران؛ بی‌تا
ایران بین دو انقلاب؛ یرواند آبراهامیان؛ ترجمه گل‌محمدی و فتاحی؛ نشر نی؛ ۱۳۸۴
مقاومت شکننده؛ جان فوران؛ ترجمه احمد تدین؛ نشر رسا؛ ۱۳۹۶

گزارش تاریخی

«شرکت نفت ایران و انگلیس» یا «شرکت نفت انگلیس در ایران»؟

«بریتیش پترولیوم» که امروزه یک شرکت بین‌المللی نفتی است، بر پایه شرکت اولیه نفت انگلیس و ایران شکل گرفت. شرکتی که روزی یک مؤسسه کوچک انگلیسی بود، از رهگذر غارت منابع نفتی ایران، به چنین موقعیتی دست یافته است. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تا قبل از انعقاد قرارداد دارسی با مظفرالدین شاه و بعدها تشکیل شرکت نفت، حضور انگلستان در ایران، بیشتر بر اساس رقابت با روسیه و تأمین مطامع سیاسی این کشور بود. اما نفت، روابط ایران و انگلیس را وارد مرحله‌ای راهبردی کرد. وابستگی و نیاز آن‌ها به نفت ایران، انگلیس را به دخالت مؤثرتر در امور داخلی ایران واداشت. پیوند خوردن سرنوشت نفتی ایران و انگلیس، کشورمان را وارد بازی‌های خطرناک بین‌المللی کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به اشغال مناطق نفت‌خیز و بعدها تمام ایران، در جریان جنگ جهانی، برای حفظ و جلوگیری از آسیب‌دیدگی شریان حیاتی نفت و باز شدن پای آمریکا به ایران، اشاره کرد. با تثبیت حضور انگلیس در صنایع نفت ایران، نگاه آن‌ها به نوع زمامداری در کشور ما نیز، دچار دگردیسی کامل شد. انگلیسی‌ها که تا پیش از تسلط بر نفت ایران، روی خوشی به مشروطه‌خواهان نشان می‌دادند، در یک تغییر نگرش آشکار، به سیاست تقویت دولت مرکزی و شکل‌گیری حکومت اقتدارگرا و تمرکزطلب رضاخان کمک کردند تا با تسلط بر اوضاع، به غائله‌هایی که ممکن بود منافع شرکت نفت انگلیس را در جنوب به خطر اندازد، پایان دهند. تا پیش از آن، انگلیس می‌کوشید که این مسئله را با حمایت از افرادی مانند شیخ خزعل حل و فصل کند. شرکت از یک سو، با جلب حمایت شیخ خزعل و خان‌ها، به اهداف و نیازهای خود جامه عمل می‌پوشاند و از سوی دیگر از آن‌ها به عنوان اهرمی برای فشار به دولت ایران، برای کسب امتیازات بیشتر بهره می‌برد. اما با پشتیبانی انگلیس از به قدرت رسیدن رضاخان، این حمایت به پایان رسید و امثال خزعل، قربانی سیاست جدید انگلیس در ایران شدند. از آن پس، شرکت نفت انگلیس، با استاندار یا مأموران عالی‌رتبه‌ای که از سوی دولت مرکزی به جنوب اعزام می‌شدند، تعامل داشت و این مأموران، خواسته یا ناخواسته، مجبور بودند در مسیر خواسته‌های شرکت نفت انگلیس گام بردارند. به این ترتیب، آن چه با عنوان شرکت نفت انگلیس و ایران شناخته می‌شد، در واقع، «شرکت نفت انگلیس در ایران» بود. سهم کشورمان نه فقط در سود حاصل از نفت، بلکه در استخدام و جذب کارمند و کارگر در تأسیسات نفتی نیز، کاملاً حداقلی بود. رفتارهای متکبرانه و نژادپرستانه انگلیسی‌ها با ایرانیان، آن هم در سرزمین آن‌ها، واکنش‌های شدیدی را علیه استعمارگران در پی داشت که اوج آن در ماجرای ملی شدن صنعت نفت، بروز و ظهور پیدا کرد.

جناب آقای نورالله جوانشیری
انتصاب شایسته حضرتعالی را به
ریاست آموزش و پرورش منطقه ۶ مشهد
تبریک گفته، موفقیت روزافزون شما عزیز را از ایزدیکتا همواره خواهانم.
حبیب اله زنگنه
م/۹۷۱۵۲۰۶۱

جناب آقای دکتر محمد سیاح
ریاست محترم شبکه دامپزشکی چناران
راهیابی شما را به
شورای نظام دامپزشکی استان
تبریک عرض نموده،
ان شاا... در آینده ای نزدیک شاهد حضورتان در **شورای کشوری** باشیم
دکتر مهرداد ملائی
سجاد خسرو شاهی واکسیناتور دامپزشک
م/۹۷۱۵۱۸۸۹

جناب آقای مهندس سید ابوالحسن محمدی
مدیرعامل محترم شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق
از جناب عالی به خاطر دعوت از شرکت های بومی شهرستان سرخس و وقت گذاشتن و جویا شدن از مشکلات شرکت های بومی شهرستان کمال تشکر و قدردانی را داریم. امید و رفع مشکل شرکت های توانمند این شهرستان در مناقصات آن شرکت محترم را با دستور حضرت عالی و همکاری سایر مدیران محترمتان داریم تا برابر فرمایشات مقام معظم رهبری عزیزمان ، ما شرکت های بومی و مرزنشین هم در اقتصاد مقاومتی کشور عزیزمان ایران اسلامی مشارکت بیشتری داشته باشیم.
هیأت مدیره شرکت سالم کاران شرق و جمع زیادی از شرکت های بومی شهرستان سرخس
م/۹۷۱۵۲۲۹۵

آگهی مناقصه عمومی شماره ۹۷/۱۴
شرکت مدیریت تولید برق طوس درنظر دارد انجام خدمات فنی کارگاه های مکانیک و الکتریک و همچنین نگهداری سیستمهای سرمایشی و گرمایشی نیروگاه حرارتی طوس را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دومرحله ای و با ارزیابی فنی، به شرکت های پیمانکاری واجدشرایط در قالب قرارداد یکساله واگذار نماید. متقاضیان می توانند از تاریخ درج این آگهی به رایگان اسناد مناقصه را از شبکه اطلاع رسانی معاملات شرکت مدیریت تولید برق طوس به آدرس http://tpgm.ir قسمت معاملات و خدمات دریافت نمایند.
سپرده شرکت در مناقصه ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد.
آدرس مناقصه گزار: کیلومتر ۱۲ جاده مشهد قوچان، نیروگاه حرارتی طوس، واحد مناقصات و قراردادها، تلفن ۳۵۴۲۱۸۰۰-۰۵۱ داخلی ۲۳۵۸
شرکت مدیریت تولید برق طوس
د/۹۷۱۵۱۹۱۴

جناب آقای مهندس فرشید خیبری
انتصاب شایسته جناب عالی را به عنوان
مدیریت محترم عملیات شرکت نفت و گاز شرق
تبریک عرض می نماییم.
علی بورعلی میرزایی
و هیأت مدیره شرکت سالم کاران شرق
م/۹۷۱۵۲۳۰۸

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت درین کاشان سهامی خاص ثبت شده به شماره ۵۶۴ کاشان شناسه ملی ۱۰۸۶۲۰۱۵۶۳۳ سرمایه ثبت شده و پرداخت شده ۳۰.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ریال
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت مذکور دعوت می گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که **ساعت ۱۰ صبح ۹۷/۱۰/۲۰** در محل واقع در **تهران-خیابان قائم مقام فراهانی-بالاتر از مطهری-کوچه دوم پلاک ۲واحد ۱** تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه:
افزایش سرمایه
هیئت مدیره شرکت درین کاشان(سهامی خاص)
د/۹۷۱۸۱۲۷۴

م/۹۷۱۴۱۶۷۱

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می‌پذیرد
روزنامه | مجله | ویژه نامه | کتاب
اینفوگرافیک | گرید | لوگو
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com